

از «کالای لوکس» تا «الزام ملی»: روایت جهش تاریخی ایران در انرژی‌های تجدیدپذیر



حمیدرضا اعظمی
قائم مقام ساتبا و سرپرست معاونت
برنامه‌ریزی و نوآوری

شبکه انتقال، احداث بخش بخار نیروگاههای گازی، بازسازی و نوسازی نیروگاههای فرسوده، تغییر ساعت رسمی در شش ماهه اول سال، بهینه‌سازی و بهره‌وری انرژی، مدیریت عرضه و تقاضا و از همه مهم‌تر، واقعی‌سازی اقتصاد برق است.

سخن پایانی: افق ۳۰ هزار مگاواتی
روایت توسعه‌ای که با ۱۲۵۰ مگاوات آغاز شد، اکنون به افق‌های دورتری می‌نگرد. با اصلاح قیمت‌های عرضه و تداوم حمایت‌ها، اهداف ۱۱ هزار تا ۳۰ هزار مگاواتی دیگر نه یک رؤیا، بلکه برنامه‌ای دست‌یافتنی در آینده نزدیک ایران است؛ مسیری که در آن ایران نه تنها نیاز داخلی را تأمین می‌کند، بلکه به‌عنوان هاب انرژی منطقه، تبادلات پایدار با همسایگانی چون عراق را توسعه خواهد داد.

است که نشان از اعتماد نظام بانکی و حاکمیتی به این نقشه راه دارد.

فصل سوم: پایداری در برابر بحران و افتخار در سطح آسیا

روایت توسعه تجدیدپذیرها، روایت ایستادگی در برابر ناملایمات نیز هست. حتی توقیف و سرگردانی دوماهه کشتی‌های حامل تجهیزات در پی شرایط جنگی منطقه، نتوانست چرخ توسعه را متوقف کند. در حالی که سال‌ها آرزوی ورود سالانه ۱۰۰ مگاوات به مدار وجود داشت، اکنون ساتبا به ظرفیت ورود ماهانه بیش از ۲۰۰ مگاوات دست یافته است. این مجاهدت فنی، ایران را پس از غول‌هایی چون چین و هند، در رتبه سوم توسعه تجدیدپذیرها در آسیا قرار داده است.

فصل چهارم: حاکمیت استاندارد و شفافیت در فرایندها

در این مسیر، کیفیت فدای سرعت نشده است. تمامی تجهیزات از میان «برندهای رتبه یک جهانی» (1-Tier) تأمین شده و فرایند تخصیص تجهیزات به بخش خصوصی، کاملاً «فرایندمحور» و مشروط به پیشرفت فیزیکی واقعی است. نظارت مستمر بازرسان از کارخانه تا کارگاه، تضمین‌کننده پایداری این نیروگاه‌ها برای دهه‌های آتی است.

فصل پنجم: نگاه جامع به آینده و اصلاحات ساختاری

قائم مقام ساتبا و سرپرست معاونت برنامه‌ریزی و نوآوری تأکید می‌کند که نیروگاه تجدیدپذیر، قطعه‌ای از یک پازل بزرگتر است. رفع کامل ناترازی برق، نیازمند یک «مجموعه اقدام‌ها» شامل توسعه

مقدمه: تغییر پارادایم در صنعت برق

صنعت برق ایران شاهد یک چرخش راهبردی است. حمیدرضا اعظمی، قائم مقام ساتبا و سرپرست معاونت برنامه‌ریزی و نوآوری، با نگاهی به مسیری طی شده، معتقد است که نیروگاه‌های تجدیدپذیر از یک «کالای لوکس و فانتزی» در سال‌های گذشته، امروز به یک «ضرورت گریزناپذیر و الزام ملی» تبدیل شده‌اند. این تغییر نگرش، سنگ‌بنای تحولی شد که سبد انرژی کشور را بازطراحی کرد.

فصل اول: جهش آماری و شکستن سدهای ظرفیت

روایت این توسعه با اعداد سخن می‌گوید. در مردادماه ۱۴۰۳، ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر تنها ۱۲۵۰ مگاوات (معادل ۱.۱ درصد از ظرفیت کل کشور) بود. اما با گذشت مدتی کوتاه، این عدد با یک جهش خیره‌کننده به ۶۱۵۰ مگاوات رسید و سهم تجدیدپذیرها در سبد انرژی کشور به ۵.۵ درصد ارتقا یافت. این رشد چهار برابری، نشان‌دهنده عبور از دوران تردید و ورود به عصر توسعه شتابان است.

فصل دوم: ریل‌گذاری حاکمیتی و تأمین مالی هوشمند

تحقق هدف بزرگ احداث ۷۰۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی که پیش‌تر «دشوار و دور از دسترس» تلقی می‌شد، با همگرایی ارکان حاکمیت به مرحله اجرا رسید. ساتبا با بهره‌گیری از منابع صندوق توسعه ملی، دو بازوی اجرایی را فعال کرد: ۱. اجرای ۵۰۰۰ مگاوات پروژه توسط بخش خصوصی (EPC). ۲. تأمین تجهیزات برای ۲۰۰۰ مگاوات دیگر. تاکنون بیش از ۴۰ درصد از این منابع تأمین شده

